

پیشگفتار ویراست ۲

هدف حقوق تأمین اجتماعی حمایت از افراد جامعه در برابر خطرات ناشی از فقدان یا زوال قدرت کسب درآمد است. جامعه به عنوان یک کل در تأمین حداقل شرایط لازم برای تداوم حیات شرافتمندانه اعضای خود نفع مستقیمی دارد. در واقع جلوگیری از فقر و تأمین کمترین استانداردهای لازم برای تأمین زندگی شرافتمندانه آثار اجتماعی زیادی به دنبال دارد. از این رو دولتها توجه ویژه‌ای به این حوزه دارند.

در همین راستا مقررات حوزه حقوق تأمین اجتماعی در زمره مقرراتی است که تغییر و تحول آن زیاد است. یکی از علل این امر انتظارات اجتماعی از دولت در مورد مقوله تأمین اجتماعی است. بدین توضیح که با توجه به جنبه امری و حمایتی بودن مقررات این حوزه، هرازچندگاهی، قانون‌گذار ارائه حمایت جدیدی را لازم می‌داند و یا شیوه ارائه آن را مستلزم تغییر تشخیص می‌دهد و از راه تغییر و اصلاح مقررات در پی اجرایی کردن اندیشه خویش است. ضمن اینکه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری و مراجع قضایی دیگری نیز با صدور آراء متعدد تفسیرهای جدیدی از مقررات برمی‌گزینند و از این رهگذر در پی تحقق آنچه که عدالت می‌پندارند برمی‌آیند. در فاصله زمانی بین چاپ نخست تا چاپ سوم، مقررات جدیدی تصویب شده که در متن و زیرنویس کتاب اعمال شده است. در چاپ سوم تلاش شده است تا مقررات جدید به همراه توضیحات لازم در متن و پاورقی کتاب ذکر شود.

این مقررات به ویژه در ارتباط با منع برخورداری از چند حمایت بیمه‌ای، اصلاح ماده ۳۸ قانون تأمین اجتماعی ناظر به محاسبه حق بیمه قراردادهای پیمانکاری و تمدید یا اتمام مهلت اجرای برخی از مقررات است. همچنین در خلال تدریس کتاب حاضر در دانشکده حقوق، برخی از کاستیهای اثر روشن شد که در چاپ حاضر مرتفع گردید.

معدود اشتباهات تایپی و ویرایشی از قبیل سال وضع قانون و مواردی از این دست نیز با دقت بیشتری بازبینی و اصلاح گردید.

عمران نعیمی

حمیدرضا پرتو

مقدمه

امروزه تمامی افراد جامعه به نحوی با تأمین اجتماعی سروکار دارند؛ از کارگران و کارمندان و کلیه کسانی که برای دیگری کار می‌کنند گرفته تا شاغلین مشاغل آزاد و کسانی که کارفرمایی ندارند. حقوق تأمین اجتماعی^۱ صرفاً به حقوق افراد شاغل و جمعیت فعال^۲ نمی‌پردازد، بلکه حقوق مستمری^۳ بگیران نیز از موضوعات مورد بحث آن است. از طرف دیگر حقوق و تکالیف کارفرمایان دولتی و خصوصی نیز سهم قابل توجهی از مقررات تأمین اجتماعی را به خود اختصاص داده است. پس شناخت حقوق تأمین اجتماعی اهمیتی بسزا برای این دو دسته دارد. دولت نیز به عنوان کارفرمای بیمه‌شده یا حامی صندوقهای^۴ بیمه‌ای بیمه‌شدگان با حقوق تأمین اجتماعی مرتبط است. همچنین آشنایی با اصول تأمین اجتماعی و مقررات حاکم بر آن برای تدوین مقررات مناسب، ضرورتی است انکارناپذیر. در امر قضا نیز، تسلط نسبی به این رشته لازم است. مطالعه پاره‌ای از آراء قابل انتقاد به خوبی نشان می‌دهد که علت صدور برخی از آنها، عدم آشنایی کافی با حقوق تأمین اجتماعی می‌باشد.

با وجود اهمیت روزافزون این موضوع، هنوز در دانشگاههای ما تحت عنوان رشته‌ای مستقل تدریس نمی‌شود و در تعداد کمی از دانشکده‌های حقوق فقط به عنوان درس اختیاری ارائه می‌شود. با وجود این، حقوق دانان ما منتظر اقدام دولت نشدند و خود، راه بسط و توسعه علمی این رشته را پیمودند. آن‌چنان که علاوه بر پژوهشهای متعدد در قالب رساله و پایان‌نامه، کتب متعددی نیز تألیف یافته است؛ ولی جای خالی یک کتاب نسبتاً جامع که به همه مسائل تأمین اجتماعی پرداخته باشد و علاوه بر جنبه پژوهشی، به عنوان یک کتاب درسی قابل استفاده باشد ملموس بود. کتاب حاضر با توجه به سرفصل درس حقوق تأمین اجتماعی تألیف شده است. مؤلفان کتاب پیش رو که خود سالیان متمادی در زمینه حقوق تأمین اجتماعی کار عملی و اجرایی کرده‌اند این خلأ را احساس و اقدام به تألیف این کتاب نموده‌اند. در نگارش این تحقیق تلاش شده است تا موضوعات نظری و علمی با مسائل عملی و اجرایی همراه شود تا علاوه بر صاحب‌نظران و دانشجویان، برای اشخاصی که با مسائل عملی تأمین اجتماعی مرتبط‌اند نیز رهگشا باشد.^۵

1. droit de la sécurité sociale / social security law

2. active group/active population

۳. «مستمری عبارت از وجهی است که طبق شرایط مقرر در این قانون به منظور جبران قطع تمام یا قسمتی از درآمد به بیمه‌شده و در صورت فوت او برای تأمین معیشت بازماندگان وی به آنان پرداخت می‌شود» (بند ۱۶ ماده ۲ قانون تأمین اجتماعی). باید افزود مستمری وجهی است که به صورت دوره‌ای (periodical payment) پرداخت می‌شود.

۴. صندوق به تشکیلاتی گفته می‌شود که دارای منابع مالی مشخص و تعهداتی است که باید از محل اداره و سرمایه‌گذاری این منابع انجام شود و هرچند از لحاظ مالی دارای استقلال است، اما به دلیل اینکه متولی انجام خدمتی عمومی است دولت کم‌وبیش بر آن نظارت دارد. هرچند صندوق استقلال مالی دارد، اما الزاماً دارای شخصیت حقوقی نیست و ممکن است زیرمجموعه صندوق بزرگ دیگری باشد؛ برای مثال، قانون بیمه بیکاری مصوب ۱۳۶۹/۶/۲۶ صندوقی به نام صندوق بیمه بیکاری را تأسیس کرده است که متولی اداره آن سازمان تأمین اجتماعی است. صندوق مزبور هرچند استقلال مالی دارد و سازمان به موجب ماده ۱۰ آن قانون مکلف است حسابهای درآمد حق بیمه بیکاری و پرداخت مقرری بیمه بیکاری را جداگانه نگهداری کند، اما فاقد شخصیت حقوقی مستقل است و در خصوص حقوق و تعهدات این صندوق سازمان تأمین اجتماعی طرف دعوا قرار می‌گیرد. ر.ک.: بادینی (۱۳۸۷ الف)، ش ۹، ص ۵.

۵. مطالب راجع به صندوق بازنشستگی کشوری و سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح با همراهی مدیریت حقوقی این دو صندوق جناب آقای توبی و جناب آقای خراسانی تألیف شده است. نگارندگان بر خود فرض می‌دانند از لطف این عزیزان قدردانی نمایند.